

تحلیلی معنی‌شناختی از کاربرد نام حیوانات در ضرب‌المثل‌های گویش لار (با تکیه بر دلالت، موضوعیت و کارکرد اجتماعی)*

آزاده شریفی مقدم (عضو هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان)
نرجس ندیمی (دانش‌آموخته رشته زبان‌شناسی همگانی)

چکیده: قصه‌ها، حکایت‌ها، لالایی‌ها و ضرب‌المثل‌های یک منطقه بخشی از ادبیات شفاهی آن منطقه را تشکیل می‌دهند و، از آنجا که برخاسته از دل مردم هستند، خالص‌ترین و عمیق‌ترین احساسات، ظریف‌ترین افکار و اندیشه‌ها و مهم‌تر از همه، واقعیات یک جامعه را منعکس می‌سازند. از این رو، این بخش از ادبیات یکی از منابع غنی و مطمئن در مطالعه فرهنگ یک جامعه است و نمودار واقعی استعداد، قریحه و فرهنگ آن به شمار می‌رود. ضرب‌المثل‌ها، در عین ساختار ساده و مختصرشان، در معنا بسیار عمیق و غالباً معادل یک داستان یا رویداد کامل هستند. ویژگی دیگر ضرب‌المثل‌ها، کاربرد کلمات معمول و مأنوس، همچون اسامی حیوانات، گیاهان و میوه‌ها، اعضای بدن و رنگ‌ها در مفاهیم ارجاعی و نیز غیرارجاعی و استعاری است که اغلب با هدف برجسته ساختن یک مختصه معنایی مثبت یا منفی در آنها و جلب نظر مخاطب به اهمیت موضوع است. هدف این مطالعه، بررسی کاربرد و نقش نام حیوانات در ضرب‌المثل‌های گویش

* از آقایان عبدالرضا خواجهی، سید مصطفی مصطفوی و اسماعیل ندیمی که در جمع آوری داده‌های این مطالعه به نویسندگان یاری رساندند، سپاسگزاری می‌شود.

لاری به لحاظ «دلالت معنایی»، «موضوع» و نیز نوع «کارکرد» است. بدین منظور، پس از گردآوری مجموعه‌ای شامل «چهار صد و سی و پنج» (۴۳۵) ضرب‌المثل گویش لاری، تعداد «صد و ده» (۱۱۰) مثل، حاوی نام انواع حیوانات، استخراج گردید و سپس در چهارچوب حوزه سه‌گانه فوق بررسی شد. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که موضوع غالب در کاربرد نام حیوانات در مثل‌ها، انعکاس مسائل اخلاقی و آموزشی است. بیشترین کارکرد متوجه نهاد تعلیم و تربیت بوده، به لحاظ دلالت معنایی، کاربرد حیوانات، بر خلاف جهان واقعیت، از نوع دلالت نیمه‌ارجاعی است. به‌علاوه، مقایسه نتایج این بررسی با بررسی مشابه بر روی گویش کرمانی موارد اشتراک قابل توجهی را نشان داد.

کلیدواژه‌ها: ضرب‌المثل، گویش لاری، دلالت معنایی، موضوعیت، کارکرد اجتماعی

۱. مقدمه

مثل‌ها بازمانده تفکر و خلاقیت پیشینیان ماست. این جملات حاصل تعمق اندیشمندان گمنامی است که تجربه خود را، از حوادث تلخ و شیرینی که پشت سر می‌گذاشتند، در قالب عباراتی کوتاه می‌گنجانند تا به آسانی در یادها بماند و با حفظ و تکرار آنها از تجربه، عقل و منطق نهفته در آنها در زندگی خود بهره برده و اجتماع خویش را بر پایه اخلاق حسنه بنا نهند (معین‌الدینی ۱۳۸۱: ۱۶).

کاربرد ضرب‌المثل‌ها در گفتار روزمره بسیار معمول بوده و کمتر کسی است که این عبارات را، به دلیل سادگی و درک راحت، مفاهیم عمیق، تأثیرگذار و در عین حال واضح، در زبان خود به کار نگیرد. عامه مردم مثل را عبارتی زیبا و عمیق می‌دانند و از آن، به عنوان ذوق هنری و زینت گفتار، استفاده می‌کنند (پرتوی آملی ۱۳۶۹: ۱۹/۱).

مطالعه مثل‌ها و ضرب‌المثل‌ها در حوزه دانش خاصی قرار می‌گیرد که «مثل‌شناسی»^۱ نامیده می‌شود. این شاخه، علاوه بر ثبت و گردآوری مثل‌های مناطق و فرهنگ‌های مختلف (مثل‌نگاری)^۲، به تحلیل آنها از ابعاد مختلف روانی-اجتماعی پرداخته و از این طریق با علوم متفاوتی، چون زبان‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و بسیاری از علوم دیگر، ارتباط می‌یابد. هدف مثل‌شناسان، علاوه بر حفظ این گنجینه غنی فرهنگی، شناخت بیشتر فرهنگ‌ها از این طریق و افزودن بر معلومات پیشین است (ابریشمی ۱۳۷۶: ۹).

1) paremiology

2) paremiography

ضرب‌المثل‌ها تقریباً در کلیه زبان‌های دنیا وجود دارد. تفاوت میان آنها در زبان‌های مختلف به تفاوت‌های فرهنگی، نگرش‌های قومی به مسائل و پدیده‌های آن منطقه مربوط می‌باشد. زیرا ضرب‌المثل‌ها نمودار واقعی فرهنگ یک جامعه‌اند (یانکاه ۲۰۰۴: ۲۰۱). به علاوه، ضرب‌المثل‌های دنیا در ویژگی‌های مختلف زبانی نیز بسیار به هم شبیه‌اند؛ استفاده از جملات کوتاه، سادگی بیان، ساختار دستوری ساده و نیز کاربرد کلمات معمول و مانوس زبان، همچون اسامی حیوانات، گیاهان، میوه‌ها و حتی اشیاء بی‌جان، به منظور تأکید بر یک یا چند مختصه معنایی مشترک در مفهوم آن اسم و انسان، از جمله موارد مشابه میان ضرب‌المثل‌هاست. در میان اسامی به‌کاررفته در مثل‌ها، اسامی مربوط به حیوانات، به جهت فراوانی، نقش قابل‌توجهی دارند و، از این طریق، بسیاری از صفات نوع انسانی به حیوانات منتسب می‌شود، همچون «شجاعت» به شیر و «نیرنگ» به روباه (نک: عبداللهی ۱۳۸۱).

۱.۱. موقعیت جغرافیایی لار

لارستان به مرکزیت «لار» در جنوب استان فارس و در ۳۸۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر شیراز واقع شده است. این شهر با وسعت ۲۰۳۴۶۶۱ کیلومتر مربع، حدود ۱۷ درصد از مساحت خاکی استان فارس را به خود اختصاص داده است. لار از شمال به شهرستان‌های داراب، زرین‌دشت، جهرم و فیروزآباد، از جنوب به شهرستان لامرد و استان هرمزگان، از شرق به شهرستان داراب و استان کرمان و از غرب به شهرستان فیروزآباد و استان بوشهر محدود می‌شود (بلعی و علویه ۱۳۸۸؛ وثوقی ۱۳۸۰).

۲.۱. گویش لاری و ضرب‌المثل‌ها

گویش لاری یکی از گویش‌های منطقه لارستان و به لحاظ تاریخی از گویش‌های غربی ایران و بازمانده زبان پهلوی است که در دوره ساسانیان رایج بوده است (قس: وثوقی و دیگران ۱۳۸۵: ۱۲۲/۱). اگرچه این گویش با زبان‌های شمال غربی ایرانی همچون کردی، سیوندی، آبدری و بلوچی در برخی از ویژگی‌ها مشابهت‌های قابل توجه دارد، دارای سیاق زبان‌شناسی خاص خود بوده و گونه‌ای مجزا و مستقل به حساب می‌آید (قس: اقتداری ۱۳۷۱ و ۱۳۸۴).

گویش لاری همچون سایر گویش‌ها و زبان‌های ایرانی و غیرایرانی دارای مجموعه‌ای از مثل‌ها و ضرب‌المثل‌هایی است که آینه فرهنگ، اعتقادات، آداب و رسوم و همچنین خصوصیات فرهنگی، محیطی، قومی و نژادی آن منطقه است و دقت در آنها می‌تواند بسیاری از نکات پنهان را آشکار و نکات آشکار را توصیف کند. در این رابطه وثوقی معتقد است که «... در جای جای ضرب‌المثل‌های لاری روحیه تاجرمانانه، عسرت و سختی روزگار، بی‌آبی و تشنگی، غریب‌پرستی، یکرنگی و بی‌ریائی، تلاش و قناعت موج می‌زند، که همه آنها معرف محیط فرهنگی و اجتماعی مردمانش است» (۱۳۶۹: ۱۲۱).

بررسی ضرب‌المثل‌های گویش لاری این امکان را فراهم می‌آورد تا بتوان از یک سو به ویژگی‌های منحصربه‌فرد این منطقه، اعم از فرهنگی یا جغرافیایی، پی برد و از سوی دیگر ویژگی‌های عام و جهان‌شمول را در این مجموعه تشخیص داد. به عنوان یک نمونه، کاربرد لغات معمول و پربسامد یکی از ویژگی‌های عام مثل‌های لاری است، اما درصد کاربرد این گونه لغات و مفاهیم متناسب به آنها از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این مثل‌هاست.

۲. طرح مسأله و اهمیت موضوع

با توجه به اهمیت نام حیوانات در گنجینه ضرب‌المثل‌ها، چه به لحاظ فراوانی و چه به لحاظ نقش و کاربرد، این مطالعه بر آن است تا این الفاظ را در ضرب‌المثل‌های گویش لاری مورد مطالعه قرار دهد. بدین منظور، پس از استخراج تعداد صد و ده (۱۱۰) مثل که در آنها از نام یک یا چند حیوان استفاده شده بود، این اسامی از سه حوزه معنایی شامل دلالت، موضوعیت و کارکرد اجتماعی بررسی شدند.

بدین ترتیب، سؤالاتی که این تحقیق درصدد پاسخ بدانهاست، عبارت‌اند از:

الف) دلالت معنایی نام حیوانات به لحاظ نوع چگونه است؟

ب) بیشترین موضوعات به‌کاررفته در محتوای ضرب‌المثل‌ها چیست؟

پ) بیشترین کارکرد ضرب‌المثل‌های حاوی نام حیوانات در کدام نهاد اجتماعی است؟

ت) و سؤال آخر اینکه آیا میان ساختار معنایی و نقش اجتماعی ضرب‌المثل‌های گویش‌های ایران در سه حوزه یادشده اشتراکاتی وجود دارد؟ برای پاسخ به این سؤال،

نقش حیوانات در مثل‌های گویش لاری با داده‌های مشابه در گویش کرمانی مقایسه گردید.

مطالعه گستره نام حیوانات در مثل‌ها نه تنها به دلیل وسعت مفاهیم غیرارجاعی، نمایانگر میزان زایایی و خلاقیت زبان است، بلکه مقایسه آنها در حوزه وسیع‌تر، همچون زبان‌ها و گویش‌های متفاوت، مفاهیم معنایی مشترک در سطح گونه‌های مختلف را آشکار می‌سازد و لذا گامی است در جهت شناخت بیشتر همگانی‌های زبانی که یکی از اهداف مهم زبان‌شناسی عصر حاضر را تشکیل می‌دهد. به علاوه، مقایسه مثل‌ها نه تنها ابزار مفیدی در جهت شناخت اشتراکات شناختی-فرهنگی است، بلکه تمایزات موجود میان فرهنگ‌های مختلف را نیز آشکار می‌سازد. در ادامه، پس از بررسی مفاهیم معنایی «دلالت»، «موضوعیت» و «کارکرد اجتماعی»، داده‌های به دست آمده در چهارچوب فوق بررسی خواهد شد.

۳. مفاهیم نظری

۱.۳. دلالت معنایی^۱

فرایند انتقال معنا در زبان، که توسط نشانه‌ها^۲ (عناصر زبانی همچون کلمات و عبارات) صورت می‌گیرد، «دلالت» نامیده می‌شود. بدین جهت، دلالت را می‌توان رابطه بین نشانه‌ها در زبان و اشیاء، پدیده‌ها، حوادث و غیره در جهان واقعی و تجربی دانست (فینچ ۱۳۸۵: ۲۶۴).

افلاطون واژه‌ها را واحد دلالت و نیز اساس نامگذاری در زبان دانسته و هر عنصر واژگانی را برچسبی برای چیزی در جهان واقعیت تصور می‌کرد. معنی‌شناسان بعدها بر این نظریه خرده گرفتند که واژه‌ها برچسب‌هایی برای مفاهیم مربوط به اشیاء و پدیده‌ها هستند و نه مستقیماً برای خود آنها. آنان جملاتی را چون «من به پرورش درخت علاقه دارم» شاهد آورده که در آن واژه درخت، بیش از آنکه به جسم خاصی در جهان اشاره داشته باشد، مفهوم کلی آن را می‌رساند.

1) signification

2) signs

واژه‌ها، به لحاظ نوع مصداقی که به آن اشاره دارند، متفاوت‌اند. به همین دلیل می‌توان آنها را، برحسب مصداقشان در جهان، به انواع دوگانه زیر تقسیم کرد (همان: ۲۶۵؛ صفوی ۱۳۷۹: ۶۳):

الف) دلالت ارجاعی^۱ و غیرارجاعی^۲: دسته‌ای از واژه‌ها به هیچ مصداقی در جهان خارج ارجاع نمی‌دهند، همچون حروف ربط (و، اگر) و قیود احتمال و تأکید (شاید، خیلی). در حالی که دسته‌ای دیگر از واژه‌ها کاملاً ارجاعی‌اند، مانند شاخص^۳ های زمان (دیروز)، مکان (اینجا) و شخص (ضمایر). واژه‌های فوق همیشه دارای مصداقی مشخص در جهان خارج هستند. به علاوه، کاربرد لفظ «اسب» در عبارت «اسب حنایی»، در مقایسه با کاربرد آن در مثل لاری زیر، به ترتیب کاربرد ارجاعی و غیرارجاعی آن را نشان می‌دهد:

۱. گویش لاری:

ʔæz ʔæsp kætessæm ʔæz ʔæsl ke nekætessæm

معادل فارسی معیار: از اسب افتاده‌ایم، اما از اصل نیفتاده‌ایم.

توضیح: اشاره به داشتن امید پس از یک شکست.

ب) دلالت عام (گروهی)^۴ و دلالت خاص (جزئی)^۵: واژه‌ها گاه به مصداقی مشخص در جهان برون‌زبانی اشاره دارند و گاه به گروهی از مصداقی و یا به مفهوم کلی^۶ یک مصداق بدون اشاره به مرجع خاص آن، همچون کاربرد واژه «خر» در مثل زیر:

۲. گویش لاری:

pu:l ʔæ bar-e xære

معادل فارسی معیار: پول بار خر است.

توضیح: اشاره به شخصی که راه استفاده از ثروت و درآمد خود را نداند.

که، در مفهوم عام خود، به حیوان مشخصی در جهان خارج اشاره ندارد.

1) referential

2) non referential

3) indexes

4) generic

5) specific

6) concept

پ) دلالت ثابت^۱ و دلالت متغیر^۲: در حالی که کلماتی چون «تهران» و «حافظ» دارای مصداق ثابت‌اند، مصادیق کلماتی چون «رئیس جمهور ایران» و «رتبه اول کلاس» در طول زمان تغییر می‌کند، و نیز اینکه در ضرب‌المثل لاری زیر لفظ حیوان به دلیل اشاره به شرایط جوی، به جای ارجاع به حیوان مشخص در جهان خارج، دارای دلالت متغیر است:

۳. گویش لاری:

fir betʃə ʔænidæy

معادل فارسی معیار: شیر بچه می‌آورد.

توضیح: این مثل را زمانی به کار می‌برند که در هوای آفتابی باران ببارد.
ت) دلالت صریح (مستقیم)^۳ و ضمنی (استعاری)^۴: یک واژه می‌تواند، علاوه بر مفهوم اصلی و مستقیم خود، در معنی یا معانی متعدد ضمنی، استعاری یا غیرمستقیم به کار رود، همچون دلالت استعاری کلیه مثل‌های تشبیهی، همچون:

۴. گویش لاری:

boz-e gær va gælæ natʃu:

معادل فارسی معیار: بز گر به گله بر نمی‌گردد.

توضیح: شخص ناتوان کار خود را از دست می‌دهد.
کاربرد مفاهیم ضمنی در زبان امری متداول بوده و گاه تعداد این مفاهیم بسیار بیشتر از مفهوم اصلی واژه است. به عنوان مثال، در لغت‌نامه دهخدا (۱۳۷۷: ۳/ ۱۰۷۷۹-۱۰۸۸۴)، تعداد اقلام واژگانی و عباراتی که با واژه «دست» آغاز شده‌اند به ۳۹۴ مورد می‌رسد.

۲.۳. موضوع^۵

عناصر زبان، از کوچک‌ترین عناصر (تکواژ^۶ و واژه) تا عناصر بزرگ‌تر (جمله و متن^۷)، با هدف و منظوری خاص، از سوی گوینده یا نویسنده، انتخاب می‌شوند. در

1) constant

2) variable

3) denotational/direct

4) connotational/metaphorical

5) topic

6) morpheme

7) text

واقع گویشور زبان، متن را، با توجه به منظوری که در ذهن خود دارد، پردازش کرده، امکان درک موضوع را برای شنونده یا خواننده فراهم می‌کند و، به این ترتیب، فرایند ارتباط کلامی میان افراد صورت می‌گیرد. ضرب‌المثل‌ها نیز هر یک در موقعیت و بافتی خاص و بر اساس واقعه‌ای مشخص به وجود آمده است و انتخاب آنها هدفمند و با توجه به بافت کلامی و غیرکلامی صورت می‌گیرد. بنابراین به لحاظ موضوعیت نیز تفاوت دارند. در یک طبقه‌بندی کلی، ضرب‌المثل‌ها را می‌توان، با توجه به موضوع، به صورت زیر طبقه‌بندی کرد (معین‌الدینی ۱۳۸۱: ۳۸):

الف) مذهب: امثالی که موضوع آنها مربوط به نیایش، عبادت، سپاسگزاری، اعمال امامان و پیامبران و نیز معتقدات است؛

ب) آموزش و تربیت: امثالی که در آنها پند و اندرز یا نکات تربیتی برای افراد به کار رفته است؛

پ) اقتصاد: امثالی که مفاهیم اقتصادی، چون پول، درآمد و در کل آنچه برای رفع نیازهای مختلف جامعه لازم است را مطرح می‌سازد؛

ت) سیاست: آن دسته از امثالی که به استفاده مشروع از قدرت برای استقرار و حفظ نظم اجتماعی مربوط می‌شود.

ث) قدرت‌طلبی: موضوعات مربوط به کسب قدرت و اظهار قدرتمندی است؛

ج) احساس و عاطفه: امثالی که اشاره به مهر، علاقه، عشق و دوستی دارد؛

چ) اخلاق: این امثال به بیان بایدها و نبایدهای اخلاقی یا رفتار حسنه می‌پردازد؛

ح) آرمان‌گرایی: امثالی که از آرزوهای بزرگ و یا حسرت رسیدن به آنها صحبت می‌کند؛

خ) خانواده: ضرب‌المثل‌هایی که مربوط به فضا و حرمت خانواده، مفاهیم مربوط به روابط متقابل اعضای خانواده و نیز مسئولیت‌های آنها است. ازدواج، خویشاوندی و قرابت نیز در این گروه جای می‌گیرد؛

د) اجتماع: ضرب‌المثل‌هایی که در آنها اشاره به فقر، بیکاری و دزدی و اعمال بیهوده شده است؛

ذ) تشبیه: مثل‌هایی که در آنها چیزی به چیز دیگر تشبیه یا مانند می‌شود؛

ر) متفرقه: مثل‌های متفرقه و آن دسته از عباراتی که در قالب موضوعات بالا نمی‌گنجد؛

برای وضوح بیشتر، نمونه‌های زیر بیان موضوعات مختلف را در ضرب‌المثل‌ها نشان می‌دهد:

۵. پولش از پارو بالا می‌رود (اقتصاد).
۶. با خدا باش و پادشاهی کن (مذهب).
۷. رطب خورده منع رطب کی کند (اخلاق).
۸. گاو پیشانی سفید است (تشبیه).
۹. شمر جلودارش نیست (قدرت‌طلبی).
۱۰. جایی نمی‌خواهد که آب زیرش برود (سیاست).

۳.۳. کارکرد اجتماعی^۱

جامعه‌شناسان «نهاد» را نظامی منسجم از الگوهای اجتماعی می‌دانند که حاوی کنش‌ها و رفتارهای مورد تأیید و یکنواختی است که به منظور برآوردن نیازهای اساسی جامعه تعیین و تدوین شده و مسئولیت‌ها و کارکرد آن به افراد جامعه واگذار می‌گردد. در این میان، مردم نیز خود را موظف به پیروی از آنها می‌دانند. این اصطلاح شامل انواع سازمان‌های اجتماعی و نیز مجموعه رفتارها و آداب و رسوم یک جامعه می‌شود. در یک دسته‌بندی کلی، نهادهای اجتماعی را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد (معین‌الدینی ۱۳۸۱: ۵۷):

الف) نهاد خانواده: شامل تشکیل خانواده، خویشاوندی، عشق و دوستی، تعارف کردن؛

ب) نهاد دین: پرهیزکاری، احسان و نیکی، امید به خدا، قدرشناسی، اطاعت و بندگی، رازداری، شکر نعمت، از خودگذشتگی، پیروی امامان؛

پ) نهاد آموزش و تعلیم و تربیت: تجربه اندوختن، همفکری و مشورت، تقلید، دانش‌اندوزی، پند و اندرز، نصیحت، عبرت‌گیری، عادت؛

1) social function

ت) نهاد حکومت: عدالت، مقابله به مثل، ترس و اضطراب، جریمه و توان، حسابرسی امور؛
ث) نهاد اقتصاد: قناعت، تعاون و همکاری، شراکت، ضرر و زیان، مال و ثروت، اعتدال و میانه‌روی، کار و کوشش؛
ج) نهاد نامشخص: کوتاهی قد، وصف زیبایی، پرخوری، و به طور کلی، تشبیهاتی که در بین امثال وجود دارد.
نمونه‌های زیر کاربرد مثل‌ها را در نهادهای مختلف اجتماعی نشان می‌دهد:
۱۱. زن کاری مرد کاری، تا بچرخه روزگاری (خانواده).
۱۲. سر بی‌گناه پای دار می‌ره ولی بالای دار نمی‌ره (حکومت).
۱۳. یک نان بخور یک نان هم خیر کن (دین).
۱۴. آدم بی‌سواد کور است (آموزش).

۴. بحث و تحلیل داده‌ها

با توجه به تقسیماتی که در بخش ۳ ارائه شد، بخش حاضر به بررسی و طبقه‌بندی کاربرد نام حیوانات در ضرب‌المثل‌های لاری می‌پردازد. در این بخش، نام‌ها به لحاظ دلالت معنایی، موضوع و نیز کارکرد اجتماعی مطالعه و انواع آن‌ها مطرح و توضیح داده می‌شود:

۴.۱. کاربرد نام حیوانات به لحاظ دلالت معنایی

همان‌گونه که در بخش ۱.۳ عنوان شد، عناصر زبان، به لحاظ دلالت معنایی و بر حسب مصداقشان، به انواع دوگانه ارجاعی / غیرارجاعی، عام / خاص، ثابت / متغیر و صریح / ضمنی قابل تقسیم‌اند.

پس از بررسی نام‌های متعلق به حیوانات در ضرب‌المثل‌های گویش لاری مشخص گردید که دلالت مصداقی این نام‌ها عمدتاً از نوع نیمه‌ارجاعی^۱، عام، متغیر و ضمنی است. توضیح اینکه، اگرچه هر حیوان دارای مصداقی مشخص در جهان واقعیت است، کاربرد

1) semi-referential

اسامی مذکور در ضرب‌المثل‌ها غالباً نه برای ارجاع مشخص به آن حیوان، بلکه به منظور اشاره به مختصه‌معنایی برجسته در مفهوم آن انجام می‌گیرد. این مختصه می‌تواند صفت یا ویژگی خاصی در رفتار یا خلق و خوی مربوط به آن حیوان باشد.

بنابراین، این اسامی، به دلیل عدم ارجاع به حیوانی مشخص و در عین حال ارجاع به مفهوم یا مختصه‌ای خاص در حیوان، دقیقاً در هیچ‌یک از گروه‌های فوق قرار نمی‌گیرند، بلکه در میانه این پیوستار قرار گرفته و لذا دارای مفهوم یا دلالت «نیمه‌ارجاعی» اند. به‌علاوه، از آنجا که نام متعلق به حیوان دارای مفهوم واحد و مشخصی نیست و هر حیوان به صفت و حتی صفات مختلفی مشهور است، لذا دلالت در این نوع اسامی عمدتاً از نوع دلالت «متغیر» است. جدول شماره (۱) ویژگی‌های متناسب به هر حیوان را در مثل‌های لاری نشان می‌دهد.

جدول ۱. معنای ضمنی نام حیوانات در ضرب‌المثل‌های گویش لاری

معنای ضمنی	نام حیوان
بزرگی و ثروتمندی	اسب
حماقت، نادانی، کم‌ارزش بودن، بیگاری دادن، فراوانی، ناپاکی	الاغ (خر)
مرموز بودن	بلشت‌مار (نوعی سوسک)
فرومایگی، نجسی، شخص بی‌اصل و نسب، شخص هتاک، ولگردی و بیکاری، درنده‌خویی، مفت‌خوری، وفاداری	سگ
ارزشمندی	شتر
مزاحمت، کسی که کارهای بیهوده انجام می‌دهد، زرنگی	شغال
شجاعت و شهامت	شیر
بی‌ارزشی	خرچسانگ (پشه‌خاکی)
خست	خرس
قدرت	پلنگ
دورویی، دورنگی	بز مچه
داد و بیداد کردن	زنبور
بی‌لیاقتی، چیز کم‌ارزش	شپش
تنبلی	فیل

کفتار	کسی که زمانی خاص زور دارد، خسیس، نحس، ترسو
کلاغ	بی‌لیاقتی
گاو	زورمندی، تقلید، رقابت
گاو ماهی	چیز کم‌ارزش
گره	بی‌ارزشی، بی‌هنری، کم‌اهمیتی، حقارت
گنجشک	کوچکی و بی‌ارزشی
مار	ارزش، ریاکاری، مال
پشه (مگس)	کوچکی، کنیفی، مزاحمت، منفعت‌جویی
مرغ	لجبازی، چیز باارزش، پرمدعایی، سرعت عمل
مورچه	پُرمدعایی، کوچکی
موش	کوچکی، بی‌ارزشی، حقارت
ماهی	ترسوئی، بی‌آزاری
عقرب	آزاردهندگی و سادیسم
بز	بی‌اعتنایی به اطرافیان
کنه	سریش بودن
آهو	زیبایی و ظرافت
خفاش	دانایی، بی‌لیاقتی

در ضرب‌المثل‌ها، اسم حیوان در مصداق عام خود کاربرد دارد و نه در ارجاع به حیوانی مشخص؛ به همین دلیل منظور از «مرغ خانه همسایه» در قالب مثل، یک مفهوم کلی است و منظور آن مرغی نیست که در خانه همسایه راوی این مثل می‌زیسته است. نهایتاً کاربرد الفاظ متعلق به حیوانات بیش از آنکه به مفهوم مستقیم خود حیوان ارجاع داشته باشد، به معنای ضمنی و استعاری آن، که همان صفات منتسب به حیوان یا به عبارتی صفات مشترک انسان و حیوان است، اشاره می‌کند. این مفاهیم با توجه به ویژگی‌های ظاهری، خلق و خو، رفتار و جثه حیوان و بر اساس برداشت یا تصور جامعه انسانی از آن حیوان شکل گرفته است. در جدول شماره (۱) انواع مفاهیم ضمنی به‌کاررفته در الفاظ حیوانات در مثل‌های لاری نشان داده شد. همان‌گونه که جدول فوق نشان می‌دهد، گرایش به قطب استعاری در ضرب‌المثل‌ها،

یعنی تمایل به انتخاب نشانه‌ها به جای یکدیگر بر حسب تشابه یا معنای ضمنی، موجب دور شدن واحدهای زبانی از مصداق اصلی و مستقیم خود شده و دلالت معنایی را در آنها از مصداق ارجاعی، صریح، خاص و ثابت دور ساخته است. نمونه‌های زیر مقوله دلالت را در الفاظ پیش‌گفته بیشتر توضیح می‌دهد. به‌منظور شفافیت و دقت بیشتر، تلفظ مثل‌ها به صورت الفبای آوانگار^۱ در جلوی هر مورد آورده شده است:

۱۵. گویش لاری:

bæleʃt-e mare

معادل فارسی معیار: مانند سوسک است.
توضیح: انسان مرموزی است.

۱۶. گویش لاری:

ʃir bebæʃ delavær soxan begu: bærabær

معادل فارسی معیار: شیر شو دلاور، سخن بگو برابر.
توضیح: سخن رودررو جرأت و شهامت می‌خواهد.

۱۷. گویش لاری:

tʃone mæʔene ʔau geretæ

معادل فارسی معیار: مانند ماهی که از آب گرفته‌اند.
توضیح: اشاره به فردی که از ترس به خود می‌لرزد.

۱۸. گویش لاری:

latu:re bæd xæbære

معادل فارسی معیار: مانند گفتار بدخبر است.
توضیح: به شخصی که حامل پیام ناخوشایندی است گفته می‌شود.

1) phonetic alphabet

در چهار مثال بالا، الفاظ «سوسک»، «شیر»، «ماهی» و «کفتار» در مفاهیم ضمنی به ترتیب «مرموزی»، «شجاعت»، «ترس» و «نحسی» به‌کاررفته است و نوع دلالت را از مصداق ثابت، خاص، مستقیم و ارجاعی تغییر داده است.

۱۹. گویش لاری:

messe biz ?æxomæ kæte

معادل فارسی معیار: مانند زنبور در خمره افتاده است.
توضیح: اشاره دارد به فردی که مدام داد و بیداد می‌کند.

۲۰. گویش لاری:

messe kænæ mævæt tʃæsbede

معادل فارسی معیار: مثل کنه چسبنده است.
توضیح: در مذمت شخصی گویند که از حضور دائم یا همراهی او استقبال نمی‌شود. در مثال‌های ۱۹ و ۲۰ به ویژگی‌های رفتاری و فیزیکی حیوانات اشاره شده است، که باعث تبدیل دلالت ارجاعی به نوع نیمه‌ارجاعی گردیده و لذا؛ با توجه به مصادیق به‌کاررفته، دلالت در الفاظ حیوانات در جایگاه میانی پیوستار ارجاعی / غیرارجاعی قرار می‌گیرد.

از میان حیواناتی که نام آنها در جدول شماره (۱) آورده شده است، بیشترین کاربرد مربوط به الاغ/خر (۲۴ بار)، گاو (۱۰ بار)، سگ (۸ بار)، گربه (۸ بار)، شغال (۴ بار)، مورچه (۵ بار)، مرغ (۶ بار) است و نام بقیه حیوانات یک یا دو بار به‌کار رفته است.

۲.۴. کاربرد نام حیوانات به لحاظ موضوع

همان‌گونه که در بخش ۲.۳ عنوان شد، ضرب‌المثل‌ها را می‌توان به لحاظ موضوع نیز دسته‌بندی کرد. در مثل‌هایی که از الفاظ حیوانات استفاده شده است نیز می‌توان این تقسیم‌بندی را اعمال و ضرب‌المثل‌ها را، با توجه به نقش حیوان در قالب موضوعی که بدان مربوط می‌شود، طبقه‌بندی کرد. نتیجه این دسته‌بندی همراه با درصد فراوانی کاربرد هر حیوان در موضوعات مختلف در جدول شماره (۲) آورده شده است.

جدول ۲. بررسی ضرب‌المثل‌های دارای نام حیوانات در گویش لاری از لحاظ موضوع

موضوع	مذهبی	تربیتی	اقتصادی	اخلاقی	آرمان‌گرایانه	خانوادگی	اجتماعی	اصطلاح	تشبیه	قدرت‌طلبی	مفترقه
الاغ (خر)	٪۵	٪۴۷	٪۵	٪۱۴	٪۵	٪۰	٪۱۴	٪۰	٪۵	٪۵	٪۰
گاو	٪۰	٪۳۰	٪۰	٪۳۰	٪۰	٪۱۰	٪۲۰	٪۱۰	٪۰	٪۰	٪۰
سگ	٪۰	٪۶۶	٪۰	٪۱۷	٪۰	٪۰	٪۱۷	٪۰	٪۰	٪۰	٪۰
گربه	٪۱۲.۵	٪۳۷.۵	٪۰	٪۱۸.۷۵	٪۰	٪۰	٪۱۸.۷۵	٪۰	٪۰	٪۰	٪۱۲.۵
مرغ	٪۰	٪۳۳	٪۰	٪۳۳	٪۰	٪۰	٪۱۷	٪۰	٪۱۷	٪۰	٪۰
اسب	٪۰	٪۲۰	٪۲۰	٪۴۰	٪۰	٪۰	٪۲۰	٪۰	٪۰	٪۰	٪۰
شپش	٪۰	٪۶۰	٪۰	٪۴۰	٪۰	٪۰	٪۰	٪۰	٪۰	٪۰	٪۰
مورچه	٪۰	٪۰	٪۲۰	٪۸۰	٪۰	٪۰	٪۰	٪۰	٪۰	٪۰	٪۰
شغال	٪۰	٪۰	٪۲۵	٪۲۵	٪۰	٪۰	٪۲۵	٪۰	٪۰	٪۰	٪۰
مار	٪۰	٪۰	٪۲۵	٪۵۰	٪۰	٪۰	٪۲۵	٪۰	٪۰	٪۰	٪۰

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که غالب ضرب‌المثل‌ها حاوی موضوعات تربیتی (۴۳٪) و سپس اخلاقی (۱۹٪) هستند. سایر موضوعات، به ترتیب کاربرد، شامل موضوعات اجتماعی (۱۳٪)، اقتصادی (۶٪)، مفترقه (۶٪)، مذهبی (۳٪)، خانوادگی (۳٪)، قدرت‌طلبی (۳٪)، تشبیه (۳٪) و آرمان‌گرایانه (۱٪) هستند. مثال‌های زیر برای توضیح بیشتر آورده می‌شود:

الف) مذهبی

۲۱. گویش لاری:

gu:ʃt-e xær mæ tæʃe næmæk ʔofni

معادل فارسی معیار: گوشت خر پخته‌ام نمک ندارد.

توضیح: اشاره به چشم‌زخم

ب) تربیتی

۲۲. گویش لاری:

do ta gæw ʃa pæy yæk ʔævæisænen ke ʔæm dʒu beben ne ʔæm ræng

معادل فارسی معیار: گر ببندند اسب و تازی یک زمانی پیش هم / رنگشان همگون نگرده، طبعشان همگون شود.

توضیح: اشاره به معاشرت‌های غیرمعتولانه افراد و تأثیر خلق و خوی ناشایست افراد بر یکدیگر.

۲۳. گویش لاری:

boz-e gær va gælæ natʃu:

معادل فارسی معیار: بز گر به گله بر نمی‌گردد.

توضیح: شخص ناتوان کار خود را از دست می‌دهد.

پ) اقتصادی

۲۴. گویش لاری:

pu:l ʔæ bar-e xære

معادل فارسی معیار: پول بار خر است.

توضیح: اشاره به شخصی که راه استفاده از ثروت و درآمد خود را نداند.

۲۵. گویش لاری:

ʔæsp-e bodæw kaho jæw ʔe xof zijad ʔæko

معادل فارسی معیار: به اسب فعال و پرکار بیشتر جو می‌دهند.

توضیح: هرچه بیشتر کار کنی، بیشتر مزد می‌گیری.

ت) اخلاقی

۲۶. گویش لاری:

mar ta ras nevabu:ʃæ su:rax nafatʃedæ

معادل فارسی معیار: اگر مار راست نشود، به سوراخ نمی‌رود.

توضیح: در هر کاری باید حقیقت و صداقت وجود داشته باشد تا انجام خوبی داشته باشد.

۲۷. گویش لاری:

?æqræb fə pəfæni?e

معادل فارسی معیار: عقرب به پیشانی دارد.
توضیح: در مورد شخصی گفته می‌شود که آزاردهنده است.

ث) آرمان‌گرایانه

۲۸. گویش لاری:

xær mæmer bæhar ?æbu: xærbezæ va xijar ?æbu: ?ælæf ta del səhar ?æbu:

معادل فارسی معیار: بزک نمیر بهار می‌آد، کنیزه و خیار می‌آد.
توضیح: اشاره به آرزوی دست‌نیافتنی.

۲۹. گویش لاری:

?æz ?æsp kætessæm ?æz ?æsl ke nekætessæm

معادل فارسی معیار: از اسب افتاده‌ایم، اما از اصل نیفتاده‌ایم.
توضیح: اشاره به داشتن امید پس از یک شکست.

ج) خانوادگی

۳۰. گویش لاری:

gæw væ gæw fokerd-e

معادل فارسی معیار: گاو به گاو کرده‌اند.
توضیح: کنایه از دادن و گرفتن دختر از یک خانواده است.

چ) اجتماعی

۳۱. گویش لاری:

toræ ya ra ?ætʃu: yæ pæ-u:r ?ækon

معادل فارسی معیار: شغال یا راه می‌رود یا زوزه می‌کشد.
توضیح: اشاره به شخصی که کارهای بیهوده انجام می‌دهد.

ح) تشبیه
۳۲. گویش لاری:

tʃone pæ mezæke

معادل فارسی معیار: مانند بزمچه است.
توضیح: اشاره به شخص دورو و دورنگ است.

خ) قدرت طلبی
۳۳. گویش لاری:

kæftar ʃæw ʔæft bænd-e gæw zu:r ʔoʃe

معادل فارسی معیار: گفتار شب‌ها هفت برابر گاو زور دارد.
توضیح: به افراد ترسوئی گفته می‌شود که با حمایت دیگران دل و جرأت پیدا می‌کنند.

نکته‌ای که در اینجا باید بدان اشاره شود این است که به دلیل ماهیت ضرب‌المثل‌ها، گاه یک مثل حاوی بیش از یک نکته یا موضوع است؛ اما از آنجا که، در این گونه موارد، یک موضوع به گونه‌ای برجسته‌تر و در قالب هدف اصلی مثل عنوان می‌شود، لذا این ویژگی مانعی برای طبقه‌بندی گروه‌های موضوعی ایجاد نمی‌کند. به‌عنوان یک نمونه، مثل زیر اگرچه حاوی دو موضوع «قدرت‌طلبی» و «سیاست» است، «قدرت‌طلبی» به گونه‌ای برجسته و به‌عنوان هدف اصلی مثل بیان شده است.

۳۴. گویش لاری:

sæg ʔæ dær-e xu:næʃ væk ʔækon

معادل فارسی معیار: سگ در خانه خود شیری است.
توضیح: هر کسی در خانه خود قدرتمند است.

۳.۴. کاربرد نام حیوانات به لحاظ کاربرد در نهادهای مختلف

همان‌گونه که در بخش ۳.۳ عنوان شد، در یک طبقه‌بندی کلی، ضرب‌المثل‌ها را می‌توان، با توجه به کارکردشان، به نهادهای مختلف اجتماعی مربوط دانست. در این مطالعه کارکرد اجتماعی مثل‌های حاوی نام حیوانات بررسی شد و در مورد نقش هر حیوان موارد زیر مشخص شد. نتایج بررسی در جدول شماره (۳) آمده است.

جدول ۳. بررسی ضرب‌المثل‌های دارای نام حیوانات در گویش لاری از لحاظ کارکرد اجتماعی

نام حیوان	موضوع	خانواده	دین	آموزش	حکومت	اقتصاد	نامشخص
الاغ (خر)		٪۵	٪۵	٪۴۳	٪۹	٪۵	٪۳۳
گاو		٪۱۰	٪۰	٪۸۰	٪۰	٪۰	٪۱۰
سگ		٪۰	٪۰	٪۱۰۰	٪۰	٪۰	٪۰
گربه		٪۰	٪۱۲.۵	٪۷۵	٪۰	٪۰	٪۱۲.۵
مرغ		٪۰	٪۰	٪۸۳	٪۰	٪۰	٪۱۷
اسب		٪۲۰	٪۰	٪۶۰	٪۰	٪۲۰	٪۰
شپش		٪۰	٪۰	٪۱۰۰	٪۰	٪۰	٪۰
مورچه		٪۰	٪۰	٪۸۰	٪۰	٪۲۰	٪۰
شغال		٪۰	٪۰	٪۵۰	٪۰	٪۲۵	٪۲۵

نتایج جدول شماره (۳) بیانگر این است که بیشترین فراوانی در ضرب‌المثل‌های دارای نام حیوانات در گویش لاری به نهاد آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت (٪۶۳) مربوط است و کمترین فراوانی در نهاد اجتماع (٪۰) است. سایر نهادها، به ترتیب نامشخص (٪۱۸)، اقتصاد (٪۸)، خانواده (٪۴)، حکومت (٪۴) و دین (٪۳) هستند. مثال‌های زیر نمونه‌هایی از کارکرد ضرب‌المثل‌های فوق را در نهادهای مختلف نشان می‌دهد:

الف) نهاد خانواده

۳۵. گویش لاری:

mæʔene bi xar-o bi-dare

معادل فارسی معیار: ماهی بی‌خار است.

توضیح: اشاره به دختری که نامزد ندارد.

ب) نهاد دین
۳۶. گویش لاری:

gorbæ ʔetʃæf neterækedæʔe

معادل فارسی معیار: گربه چشم نگشوده است.
توضیح: اشاره به شخص قدرشناس.

پ) نهاد آموزش
۳۷. گویش لاری:

tʃone fil-o mætrokæ

معادل فارسی معیار: مثل فیل و چکش.
توضیح: اشاره به شخصی که دائماً باید چیزی به او گوشزد شود، زیرا با اندک غفلتی خوی پیشین را پیدا می‌کند.

۳۸. گویش لاری:

mory ke pa ʔæ bæɫ dare bæɫ ʔæ ser e xo ʔækon

معادل فارسی معیار: هر چه کنی به خود کنی.
توضیح: نتیجه عمل شخص به خودش برمی‌گردد.

ت) نهاد حکومت
۳۹. گویش لاری:

xær-e siya ʔo yæk kilæ jæw

معادل فارسی معیار: خر سیاه و یک پیمانانه جو.
توضیح: اشاره به حق و حقوق ثابت.

۴۰. گویش لاری:

tʃaræʔe xær nako darʔæ pælu: ʔæzen

معادل فارسی معیار: زورش به خر نمی‌رسد، پالانش را می‌زند.
توضیح: در شرایطی گفته می‌شود که کسی به جای دیگری (اغلب بی‌گناه) مجازات می‌شود.

ث) نهاد اقتصاد

۴۱. گویش لاری:

toræ ke ?æz bay qæhr ?ofke ?æyʃ-e bay bue

معادل فارسی معیار: کلاغ از باغمان قهرکند یک گردو به نفع ما.

توضیح: غضب و قهری که به نفع طرف مقابل باشد.

۴۲. گویش لاری:

tʃæʃ?æ dəwr-e tʃi ?ægærde geræ ?ædæwr ?epi

معادل فارسی معیار: مورچه به استخوان چرب می‌ریزد.

توضیح: اشاره به افراد فرصت‌طلب و سودجو که صرفاً به منبع سود توجه دارند.

ج) متفرقه

۴۳. گویش لاری:

fir betʃə ?ænidæy

معادل فارسی معیار: شیر بچه می‌آورد.

توضیح: این مثل را زمانی به کار می‌برند که در هوای آفتابی باران ببارد.

۵. مقایسه کاربرد نام‌های حیوانات در گویش‌های لاری و کرمانی

از آنجا که در پژوهشی تقریباً مشابه، کاربرد نام حیوانات در یکی دیگر از گویش‌های ایرانی یعنی گویش کرمانی بررسی شده، پس از مرحله تحلیل داده‌های هر گویش، به مقایسه آنها اقدام گردید و شباهت‌هایی اساسی مشاهده شد که در زیر به موارد کلی اشاره خواهد شد (اسحاقی و شریفی مقدم ۱۳۸۷؛ شریفی مقدم و اسحاقی ۱۳۸۸):

۱.۵. به لحاظ فراوانی، در هر دو گویش بیشترین کاربرد متعلق به «الاغ/خر» است

که موضوع غالب آن تربیتی و دارای کارکرد نهاد آموزش و پرورش است.

۲.۵. نام حیوانات «سگ»، «گاو» و «گربه» نیز در هر دو گویش پربسامد است، اما

دومین نام، در گویش لاری «گاو» و در گویش کرمانی «سگ» است. در توضیح، به این

مطلب باید اشاره کرد که کاربرد نام حیوانات در مثل‌ها ارتباط مستقیمی با جایگاه آنها در زندگی و فرهنگ مردم آن منطقه داشته و هرچه نقش حیوان و ارتباط (مثبت یا منفی) آن در زندگی مردم بیشتر باشد، از نام آن در گفتار و مثل‌ها بیشتر استفاده شده است. به عنوان مثال در لار قدیم، به دلیل موقعیت کشاورزی و دامپروری این منطقه در مقایسه با منطقه کویری کرمان، از گاو علاوه بر تأمین مواد غذایی، در اموری چون خرمن‌کوبی گندم، کوبیدن ساروج، و در آسیاب‌ها به منظور ارده‌سازی و کشیدن آب از چاه، گاهی به جای الاغ، استفاده می‌شده است و لذا برجستگی بیشتری هم در امور زندگی و هم در رفتار کلامی این گونه زبانی داشته است.

۳.۵. علاوه بر بسامد نام حیوانات، کاربرد این الفاظ به لحاظ دلالت نیز در دو گویش شباهت دارد، بدین صورت که نوع دلالت این الفاظ در دو گویش نیمه‌ارجاعی، عام، متغیر و ضمنی است.

۴.۵. بیشترین موضوعات به‌کاررفته در غالب ضرب‌المثل‌های حاوی نام حیوانات، در هر دو گویش، موضوعات تربیتی و اخلاقی است.

۵.۵. بیشترین فراوانی در ضرب‌المثل‌های دو گویش به نهاد آموزش و پرورش مربوط می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

مقاله حاضر، با توجه به نقش و فراوانی کاربرد نام حیوانات در ساختار ضرب‌المثل‌ها، به مطالعه این الفاظ از سه دیدگاه دلالت معنایی، موضوعیت، و نیز کارکرد اجتماعی پرداخته است. حوزه این مطالعه، تعداد «صد و ده» ضرب‌المثل گویش لاری بوده است.

بررسی داده‌ها نتایج زیر را نشان داد:

الف) دلالت معنایی کاربرد الفاظ حیوانات در ضرب‌المثل‌های لاری، طبق یک گرایش همگانی، نیمه‌ارجاعی، عام، متغیر و ضمنی است.

ب) در میان حیوانات به‌کاررفته بیشترین کاربرد را به ترتیب الفاظ الاغ (خر)، سگ، شتر، گربه، گاو، اسب و مرغ دارند و بقیه حیوانات تقریباً از میزان کاربرد یکسان برخوردارند.

پ) ضرب‌المثل‌های فوق بیشتر حاوی موضوعات تربیتی (۴۳٪) و سپس اخلاقی

(۱۹٪) هستند. سایر موضوعات، به ترتیب کاربرد، شامل موضوعات اجتماعی (۱۳٪)، اقتصادی (۶٪)، متفرقه (۶٪)، مذهبی (۳٪)، خانوادگی (۳٪)، قدرت‌طلبی (۳٪)، تشبیه (۳٪) و آرمان‌گرایانه (۱٪) است.

ت) بررسی کارکرد نام حیوانات، با توجه به نهادهای مختلف، نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی در ضرب‌المثل‌های دارای نام حیوانات در گویش لاری به نهاد آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت (۶۳٪) مربوط است و کمترین فراوانی در نهاد اجتماع (۰٪) است. سایر نهادها، به ترتیب، نامشخص (۱۸٪)، اقتصاد (۸٪)، خانواده (۴٪)، حکومت (۴٪) و دین (۳٪) هستند.

منابع

- ابریشمی، احمد، ۱۳۷۶، فرهنگ نوین گزیده مثل‌های فارسی، تهران.
- اسحاقی، مهدیه و شریفی مقدم، آزاده، ۱۳۸۷، «حیوانات در ضرب‌المثل‌های گویش کرمانی»، دومین همایش ملی زبان‌شناسی، کنیه‌ها و متون، تهران، ص ۴۵.
- اقتداری، احمد، ۱۳۷۱، لارستان کهن و فرهنگ لارستانی، تهران.
- _____، ۱۳۸۴، زبان لارستانی (جستاری در زبان و فرهنگ مردم)، به کوشش صادق رحمانی، تهران.
- بلعی، ابراهیم و علویه، سیما، ۱۳۸۸، لارستان، لار.
- پرتوی آملی، مهدی، ۱۳۶۹، ریشه‌های تاریخی امثال و حکم، ج ۱، چ ۲، تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه، ج ۳، چ ۲، تهران.
- شریفی مقدم، آزاده و اسحاقی، مهدیه، ۱۳۸۸، «تحلیلی معنایی از کاربرد نام حیوانات در مثل‌های گویش کرمانی با تکیه بر دلالت، موضوعیت و کارکرد اجتماعی»، فصلنامه پژوهشگران فرهنگ، س ۷، ش ۲۴، ص ۱۶۷-۱۴۳.
- صفوی، کوروش، ۱۳۷۹، درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران.
- عبداللهی، منیژه، ۱۳۸۱، فرهنگ‌نامه جانوران در ادب فارسی، تهران.
- فینچ، جفری، ۱۳۸۵، اصطلاحات و مفاهیم زبان‌شناسی، ترجمه الهام داورپناه و دیگران، تهران.
- معین‌الدینی، مریم، ۱۳۸۱، تحلیل مضامین اجتماعی ضرب‌المثل‌های رایج در کرمان، کرمان.
- وثوقی، محمدباقر، ۱۳۶۹، لار شهری به رنگ خاک، تهران.
- _____، ۱۳۸۰، لارستان، تهران.
- وثوقی، محمدباقر و دیگران، ۱۳۸۵، تاریخ مفصل لارستان، ج ۱، چ ۱، تهران.

